

حسن ابراهیمزاده

هیچ عالم با بصیرتی در برابر انحراف سکوت نکرده



اشاره:

تاریخ عالمان شیعه، هرگز از بیدارگری و مبارزه با انحراف و التقاط و سر نهادن بر سر دفاع از اسلام اصیل خالی نبوده و نیست. عالمان دین در مسیر تبیین مکتب اهل بیت (علیهم السلام) ضمن رصد پدیده‌ها و جریان‌های عصر خود و غفلت نکردن از کج روی‌های افراد منحرف و بدعت‌گزار، با اطلاع از شکل‌گیری بدعت‌ها و ظهور فرقه‌ها و مواضع ضد اسلامی سلاطین دین‌ستیز به میدان می‌آمدند و ضمن موضع‌گیری شجاعانه در مقابل انحرافات، همواره جامعه اسلامی را از گزند انحراف و التقاط مصون نگه می‌داشتند. مقاله حاضر، نگاهی کوتاه به موضع‌گیری‌های عملی برخی از عالمان دین در برابر انحرافات عصر خود در همه روزگارها است.

پاسداری از احادیث و علوم معصومین (علیهم السلام) و تبلیغ و ترویج آموزه‌های مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در سخت‌ترین شرایط از سوی عالمان شیعه، رسالت این سنگربانان توحید بوده است؛ اما موضع‌گیری‌های به‌موقع و شجاعانه آنان در مواجهه با جریان‌های انحرافی و التقاطی نیز بخش جدایی‌ناپذیر از تاریخ گرانسنگ حوزه‌های علمیه و عالمانی است که سیره و سلوک آنان همواره چراغ راه دین‌باوران بوده است؛ تا جایی که امام خمینی (علیه السلام) - فریادگر بزرگ قرن در برابر شرک نوین - درباره این تلاش و مجاهدت عالمان می‌گوید:

«اگر فقهای عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علومی به عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) به خورد توده‌ها داده بودند. جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و اسلام و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین (علیهم السلام) و ثبت و تبویب و تنقیح آنان در شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت همه امکانات خود را به کار می‌گرفتند، کار آسانی نبوده است.»^۱

بی‌شک به نماز ایستادن ما رو به قبله و جاری شدن شهادتین بر لبان ما و گام نهادن در مسیری که معصومین (علیهم السلام) برای ما ترسیم نموده‌اند، مدیون مجاهدت‌های علمی و معنوی بزرگانی است که همه هستی خود را فدای مکتب کرده‌اند. با نگاهی کوتاه به زندگی عالمان شیعه به این حقیقت می‌رسیم که آنان به موازات تبلیغ و ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و پاسداری از مبانی اسلام ناب، هرگز در مقابل انحرافات و فتنه‌های فکری و فرهنگی زمان خویش ساکت ننشسته‌اند.

شیخ کلینی (علیه السلام) که تلاش بیست ساله او در گردآوری و تدوین نخستین مجموعه احادیث شیعه به نام «کافی» گامی مجاهدانه در احیاء و ماندگاری تفکر شیعی - آن هم با آغاز دوران غیبت کبری - برداشت و در این راه از هیچ تلاشی در مسیر هجرت به شهرهای ری و قم و بصره و بغداد فروگذار نکرد. او با ظهور فرقه «قرامطه» آن هم در دوره قدرت‌نمایی این فرقه و حمله آنان به مکه، هرگز خوفی از آنان به دل راه نداد. وی نه تنها تبویب و تدوین احادیث شیعه را وظیفه و رسالت خود برشمرد، بلکه

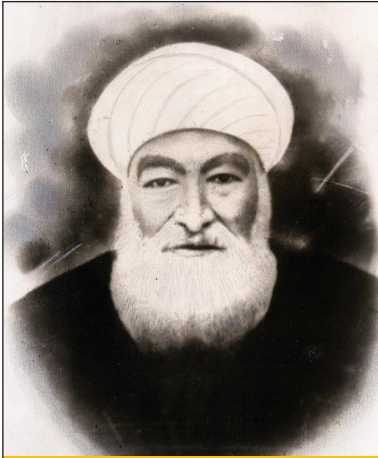
شجاعانه به میدان آمد و با نگارش کتاب «رد علی القرامطه» به مقابله با این جریان نوظهور پرداخت.

عالمان شیعه آن‌جا که متوجه ظهور کمترین انحراف و یا هجمه‌ای به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) می‌شدند، حتی تنهایی و غربت خود را در میان خیل مخالفان و معاندان، بهانه‌ای برای نظاره‌گری و کناره‌گیری نمی‌خواندند و باب توجیه را هرگز به روی خود نمی‌گشودند.

قاضی نورالله شوشتری (علیه السلام) برای ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و تبیین اسلام ناب، از شوشتر به سوی مشهد مقدس هجرت می‌کند و با وداع با گنبد نورانی امام رضا (علیه السلام) رنج سفر در دیار غربت هندوستان را به جان می‌خرد و مخفیانه به نشر مکتب تشیع می‌پردازد. شوشتری آن‌جا که این مکتب تعالی بخش اهل البیت (علیهم السلام) را در هجوم معاندان نظاره می‌کند، بدون هیچ واژه‌های به نگارش کتاب «احقاق الحق» می‌پردازد و سرانجام به خاطر حرکت روشنگرانه خود، زیر تازیانه خاردار که با هر ضربه تکه‌هایی از گوشت او از بدن جدا می‌شد، شربت شهادت می‌نوشد تا به همه آیندگان بیاموزد انتخاب این راه، انتخاب سر نهادن و سر دادن در راه مکتب است.

کافی است تاریخ هجرت‌های عالمان شیعه را ورق زد، به زیارت امامزادگان شهید در هر کوی و بیابانی رفت؛ کافی است تنها شمار عالمان شیعی چون شهید اول و شهید ثانی و ملاصدرا و ... را فهرست کرد که هرگز چیزی از جسم مطهرشان پیدا نشد و هیچ شمعی بر مزارشان نگریست؛ کافی است کتاب «شهداء الفضیلة» علامه امینی را نظاره کرد و این کتاب را در کنار کتاب ماندگار «الغدیر» این بزرگمرد، صفحه صفحه خواند و بر سرهای جدا شده و پیکرهای سوخته و اجساد به خون آغشته عالمان شیعه گریست تا به زرفای این نگاه امام شهیدان و این سلام بزرگمرد عصر کنونی به شهیدان حوزه‌های علمیه پی برد که فریاد زد:

«سلام بر حماسه‌سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته‌اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه به ناس، از شمع حیاتشان گوهر شب چراغ ساخته‌اند.



«آیت‌الله العظمی میرزا محمدتقی بافقی»

حقی که بر من روشن شده برای شما بیان می‌کنم، اگر چه دماغ مخالفین به خاک مالیده شود و در راه خدا از ملامت دیگران هم ترس نخواهم داشت.^۳

عالمان بزرگ شیعه هرگز در برابر فتنه‌هایی که ریشه در بروز انحرافات در جامعه داشت و تمامیت سرزمین اسلام را به خطر می‌انداخت هم، سکوت نکردند. آن‌جا که زنان مسلمان توسط سفیر روسیه «گریبایدوف» به سفارت روس برده می‌شوند، این «میرزا مسیح» است که فرمان حمله به سفارت روس و بیرون آوردن ناموس این سرزمین از چنگال کفار و اجنبی را صادر می‌کند و سال‌ها محدودیت و تبعید را به خاطر این حماسه دینی و ملی به جان می‌خورد.

همچنین آنگاه که قرار است به نام قرارداد تنباکو، انگلیس به تبلیغ مسیحیت و ساخت کلیسا بپردازد و بر سرزمین شیعی سیطره پیدا کند، این «میرزای شیرازی» است که به تعبیر امام راحل با یک سطر، ایران را از حلقوم انگلیس بیرون می‌کشد و آنگاه که غریب‌گرایان و فراماسونرها و شاهزادگان برآند تا به نام مشروطیت، دین را از عرصه زندگی مردم کنار بزنند، این «شیخ فضل‌الله نوری» است که با پانهادن بر پرچم روس و انگلیس، بر چوبه دار بوسه می‌زند و دار را از گام‌های استوار خود به لرزه درمی‌آورد. آن‌جا که سخن از شکستن حریم است، این

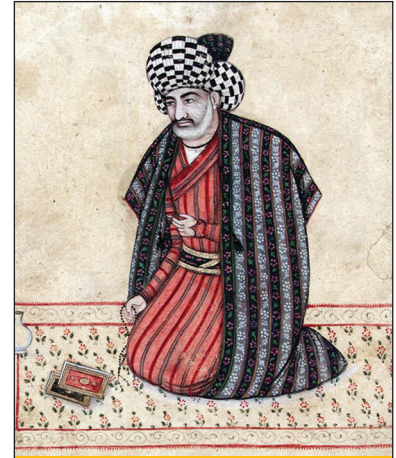


«آیت‌الله العظمی محمدحسن شیرازی»

موضع‌گیری‌های به موقع و شجاعانه عالمان شیعه در مواجهه با جریان‌های انحرافی و التقاطی، بخش جدایی‌ناپذیر از تاریخ گرانسنگ حوزه‌های علمیه و عالمانی است که سیره و سلوک آنان همواره چراغ راه دین‌باوران بوده است.

و «صدر» را باید در ابتدای کتاب «اعتقادات» وی جست‌وجو کرد که می‌نویسد: «در این هنگام بر من واجب آمده که راه‌های حق و نجات را با نشانه‌های روشن و با دلیل‌های واضح برای شما بیان کنم، هر چند از گردنکشان و یاغیان اهل بدعت خائف و ترسانم...».

علامه بایبان این مطلب، موقعیت زمانی خود را برای نسل آینده بیان نمود؛ اما شجاعانه و بدون در نظر گرفتن قدرت سیاسی صوفیان که در آن زمان «فقط در اصفهان بیش از بیست و یک تکیه و خانقاه و زاویه داشتند»، ادامه می‌دهد که: «ای برادران دینی من! بدانید که من در این مقام از نصیحت و خیرخواهی شما کوتاهی نمی‌کنم و مطلب حق را از شما پوشیده نمی‌دارم و مطالب



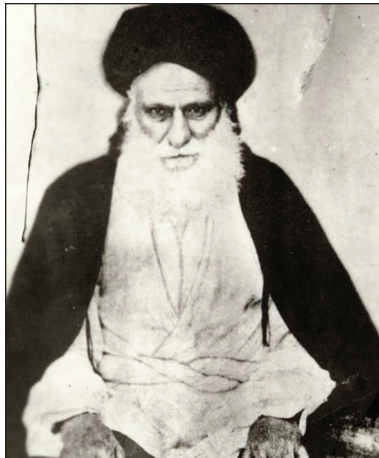
«آیت‌الله العظمی محمدباقر مجلسی»

افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگام نبرد، رسته‌تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال [رشته] تمینات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبکبالان به مهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان، شعر حضور سرودند.^۴

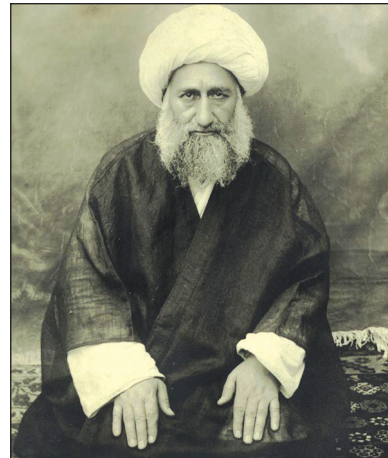
علمای شیعه حتی در مکان‌هایی که به خیال روشنفکران و غرب‌گرایان، مکان امن عافیت‌طلبی برای روحانیت خوانده می‌شدند و در حقیقت محیطی پرخطرتر و دردناک‌تر از مکان‌های دیگر به شمار می‌رفتند، هرگز در مقابل انحرافات حتی در این مکان‌ها هم سکوت نکردند.

علامه محمدباقر مجلسی که در کنار نگارش ده‌ها کتاب برای سطوح گوناگون جامعه و بر جای نهادن اثر ماندگار «بحار الانوار» در دربار صفویه، ضمن کاستن قدرت خواجه‌سرایان و جلوگیری از جنگ بین ایران و عثمانی، محدود کردن رفت و آمد سفرای اروپایی، بستن ده‌ها خانقاه و زاویه در اصفهان، دستور تخریب بتکده هندوان در اصفهان و ممانعت از تبلیغ مسیونرهای مسیحی؛ با حرکتی شجاعانه سنگ پایه‌ای را که بزرگان دیگری چون محقق کرکی و شیخ بهایی و... در حکومت صفویه بنا نهاده بودند، به پایان رساند و ایران اسلامی را از شر حاکمیت صوفیان رهایی بخشید. وضعیت خطرناک و ناامن علامه مجلسی آن هم در مقام «شیخ الاسلامی»

**عالمان شیعه به موازات
تبلیغ و ترویج مکتب
اهل بیت علیهم السلام و پاسداری از
مبانی اسلام ناب، هرگز در
مقابل انحرافات و فتنه‌های
فکری و فرهنگی زمان
خویش ساکت ننشسته‌اند.**



«آیت‌الله العظمی سیدحسین قمی رحمته الله»



«آیت‌الله العظمی محمد علی شاه آبادی رحمته الله»

منحرفین سکوت نکرد؛ چرا که به این نکته ایمان داشت که این جمله از هسته هستی و قطب عالم امکان رسول اعظم صلی الله علیه و آله است که فرمود:

«اذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه، فمن لم یفعل، فعلیه لعنة الله»؛^۱ آن زمان که بدعت‌ها در امت من آشکار شود، بر عالمان است تا علم خود را آشکار سازند و اگر از ظاهر کردن حقیقت پرهیز کنند، لعنت خداوند گریبان‌گیر آنان خواهد شد.

سلام و درود خداوند بر همه آنانی که در امتحانات بزرگ و در مقابله با جریان‌های انحرافی ایستادگی کردند و در این مسیر همه محرومیت‌ها و مصائب را به جان خریدند و سلام و درود خداوند بر همه آنانی که امروز ایستاده در مقابل انحرافات و منحرفان، همه محرومیت‌ها و مصائب را به جان می‌خرند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۴.
۲. همان، ص ۲۷۴.
۳. رک: علامه مجلسی، مردی از فردا، حسن ابراهیم‌زاده، صص ۶۴ و ۶۵.
۴. رک: آیت‌الله بافقی، فریادگر حجاب، حسن ابراهیم‌زاده، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.
۵. پیکار با منکر در سیره ابرار، حسن ابراهیم‌زاده، محمد عابدی، ص ۱۴۱.
۶. همان، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.
۷. همان، ص ۱۶۰.
۸. نهضت امام خمینی، سیدحمید روحانی، دفتر اول، ص ۳۹۷.
۹. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۴.

وظیفه داریم در حفظ آن بکوشیم و اینک که می‌بینیم این امانت الهی در معرض دستبرد و نابودی از ناحیه این حکومت جبار است، بایستی با تمام وجود از آن محافظت کنیم و معتقدیم خون مارنگین‌تر از خون گذشتگان نیست».^۶

هنوز در مقابل فرمان کشف حجاب رضاخان، سخن و موضع «حاج آقا حسین قمی» در حضور بزرگان دیگری چون «سیدیونس اردبیلی» و «میرزا محمد آقازاده» به گوش می‌رسد که: «امروز اسلام فدایی می‌خواهد، بر مردم است که قیام کنند.» و «به عقیده من، اگر پیشرفت این جلوگیری از خلاف مذهب منوط به کشته شدن ده هزار نفر که در رأس آن‌ها حاج آقا حسین قمی است باشد، ارزش دارد».^۷

هیچ یک از علمای شیعه و همه آنانی که بر سفره امام زمان علیه السلام نشستند و خود را نوکر امام زمان علیه السلام و مکتب او می‌خواندند، در مقابل هیچ انحرافی ساکت ننشستند؛ همان‌گونه که امام راحل علیه السلام در اولین بیانیه خود در اول بهمن ۱۳۴۱ در واکنش به فراندوم تشریفاتی شاه، سرنوشت و رسالت همه عالمان قبل و بعد خود را چنین به تصویر کشید: «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کردم، ولی برای قبول زورگویی‌ها و خضوع در مقابل جباری‌های شما حاضر نخواهم کرد. ... با ما معامله بردگان قرون وسطی را می‌کنند. به خدای متعال من این زندگی را نمی‌خواهم «انی لاری الموت الا سعاده و الحیوة مع الظالمین الا برما...»».^۸

هیچ عالم شیعی در مقابل انحرافات و

عالمان دین هستند که می‌ایستند؛ حتی اگر هتاک، همسر کسی مانند رضاخان باشد. تاریخ هنوز فراموش نکرده است که چگونه آیت‌الله بافقی به تاج‌الملوک همسر رضاشاه در نوروز سال ۱۳۰۶ تذکر داد یا حجابت را رعایت کن و یا از حرم بیرون برو و او در مسجد بالاسر به خاطر این ایستادگی تازیانه خورد، زندان رفت و تبعید کشید. تاریخ از یاد نبرده است آنگاه که رضاخان دستور قذغن کردن امر به معروف را اعلان کرد، همین مرد خدایی به سوی صحن حضرت معصومه سلام‌الله علیها رفت و آن‌جا در میان جمعیت فریاد برآورد: «الیس منکم رجل رشید؟ آیا در میان شما یک مرد حساسی پیدا نمی‌شود تا جواب این فراعنه را گوید و قانون و اعلان آن‌ها را ملغی کند؟»^۹

هنوز فریاد آیت‌الله شاه‌آبادی رحمته الله پس از اعلان قذغن شدن منبرها و روضه به گوش می‌رسد که:

«من ایستاده سخن می‌گویم تا بدانند منبر سخن نمی‌گوید. اگر می‌خواهید سخنرانی تعطیل شود، باید مرا ببرید و من هر روز قبل از اذان صبح به تنهایی از منزل به طرف مسجد جامع می‌آیم، اگر عرضه دارید آن وقت بیایید مرا دستگیر کنید».^{۱۰}

هنوز نسیم، پیام او را به گوش همه عالمان امروز می‌رساند که فریاد برآورد:

«ما وارث دینی هستیم که از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله تا کنون، گذشته از شهادت ائمه و اصحاب و یاران؛ و علما و هزاران شهید در به ثمر رساندن آن فداکاری کرده‌اند و الان ثمره آن ایثارها به دست ماست و ما

